

مطالعه تطبیقی دسترسی آزاد به اطلاعات زیست محیطی در قوانین موضوعه ایران و کنوانسیون آرهوس

محمد حسین رضانی*

باقر شاملو**

سید اصغر سجادی***

چکیده

حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی پیش شرط مشارکت مؤثر عمومی در تصمیم سازی مقامات عمومی، و نظارت بر فعالیت های حکومتی و بخش خصوصی است و می تواند در طرح ریزی و بهره برداری بهینه از فن آوری موجود مفید واقع شود. پی آمدهای تخریب زیست محیطی، اطلاع رسانی به هنگام و کامل را برای انتخاب آگاهانه گزینه ها، گریز ناپذیر می کند. در این باره اسناد بین المللی حقوق بشری در بردارنده حق بر آزادی اطلاعات و وظیفه دولت ها نسبت به اطلاع رسانی هستند. در این رابطه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حقوق و وظایف انسانی دولت های آمریکایی، کنوانسیون حقوق

*دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

**دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

***دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران. (نویسنده مسئول: a.sajjadi2010@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۲۶۲-۲۳۳

بشر دولت‌های آمریکایی و منشور آفریقایی حقوق و وظایف مردمان، دسترسی به اطلاعات را به مثابه حق و حقوق مورد تاکید قرار داده‌اند. جدای از تضمین‌های حقوق بشری در خصوص حق دسترسی به اطلاعات توافقنامه‌های گوناگون زیست محیطی نیز وظایفی را به منظور اطلاع‌رسانی عمومی به دولت‌های عضو تحمیل می‌کنند، مانند کنوانسیون هلسینکی در مورد حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی. در سطح بین‌المللی علاوه بر بیانیه ریو (۱۹۹۲) که در اصل ۱۰ دسترسی به اطلاعات را به رسمیت شناخته است، کنوانسیون آرهوس (۱۹۹۸) مصوب کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا نیز حق دسترسی به اطلاعات را به نحو شایسته مورد بررسی قرار داده است. نظر به اینکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۷ خورشیدی برابر با سال ۲۰۰۷ میلادی به تصویب شورای اسلامی ایران رسیده است، در این پژوهش عنصر دسترسی به اطلاعات را در هر دو سند مورد بررسی و مقایسه قرار داده، تا به این پرسش مطرح پاسخ گوید که آیا قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مردم پیرامون موضوعات محیط زیست بنحوی باشد که در کنوانسیون آرهوس منعکس است؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به لحاظ ممنوعیت زیاد در ارائه اطلاعات تحت عنوان «محرمانه»، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه در عصر انفجار اطلاعات نیست و ضرورت‌های غیرحقوقی دسترسی بیشتر به اطلاعات در حوزه محیط زیست به شکل‌گیری کنوانسیون آرهوس منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی، محیط زیست، بیانیه ریو، کنوانسیون آرهوس.

تخریب اکوسیستم‌های دریائی، زیستگاه‌های زمینی، تجارت گونه‌های نایاب و بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی توسط بشر، نشت گاز در کارخانه شرکت تابعه یونیون کار باید در بوپال هند، وقوع انفجار در نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در اکرین در سال ۱۹۸۶ و تصادف نفتکش توری کانیون، شماری از مصادیق و مسائل زیست محیطی است که نشان می‌دهند که مسائل زیست محیطی قلمروی فراتر از قلمرو دولت‌های ملی دارد. بنابراین، حفاظت از محیط زیست یک مسئولیت بین‌المللی است (اصل ۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۹۲). این امر، اهمیت دسترسی به اطلاعات زیست محیطی را به مسال‌های در حقوق بین‌المللی تبدیل کرده است. اگرچه اولین کنوانسیون‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد، اما ریشه‌های واقعی حقوق بین‌الملل محیط زیست را باید در اواخر دهه ۱۹۶۰ جستجو کرد در این دهه دوران بازسازی پس از جنگ جهانی دوم طی توسعه اقتصادی جهان با ابعاد جدید و ناشناخته‌ای رسید. توسعه نابرابر و نامنظم تعادل بیوسفر را دچار اختلال جدی نمود. در اواخر این دهه به دنبال اعلام خطرهای دانشمندان، افکار عمومی عکس‌العمل فزاینده‌ای نسبت به حفظ محیط زیست از خود نشان داد، و محیط زیست به عنوان یک مجموعه مطرح گردید. سازمان‌های بین‌المللی نیز به نوبه خود در مقابل مسائل مطروحه جدید عکس‌العمل مناسب و قوی نشان دادند. از این به بعد تحول حقوق محیط زیست در حقوق داخلی و بین‌المللی به موازات یکدیگر پیشرفت کرده است. در حقوق داخلی متون قانونی متعدد وضع و نیز نهادهای ویژه‌ای برای حفاظت از محیط زیست ایجاد شده است. در سطح بین‌المللی نیز شورای اروپا، سازمان وحدت آفریقا و سپس سازمان ملل متحد متونی درباره حفاظت از محیط زیست تصویب رسانیده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی به ویژه از اواخر دهه ۱۹۶۰ موضوع وجود خطرات جدید تهدیدکننده را به رسمیت شناختند. از آن جمله، در سال ۱۹۶۸ دو سند اصولی را

شورای اروپا در خصوص کنترل آلودگی آب و هوا تصویب کرد و نیز سازمان وحدت آفریقا کنوانسیون را راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی به عنوان یک الگوی جامع طرح کرد و همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد دعوت به تشکیل کنفرانس جهانی درباره محیط زیست انسان را تصویب نمود. گرچه موضوعات محیط زیستی از جهت روابط بین‌المللی، پدیده‌های جدیدی نیستند، (با وجود این) رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل محیط زیستی را از موضوعات حاشیه‌ای و جانبی به دستور کارهای اصلی سیاسی‌شان منتقل کرده‌اند. کنفرانس‌ها و معاهدات بین‌المللی در مورد گرمای جهانی و فرسایش (لایه) اُزن وجود داشته‌اند اما تعداد اندکی از آنها نشانگر این هستند که جهان وارد «قرن جدیدی از دیپلماسی محیط زیستی» شده باشد. جدای از تضمین‌های حقوق بشر در خصوص دسترسی به اطلاعات، موافقت‌نامه‌های گوناگون زیست محیطی نیز وظایفی را به منظور تهیه و تأمین اطلاعات عمومی به دولت‌های عضو تحمیل می‌کنند. «حق آگاهی» می‌تواند به مفهوم مضیق و محدود، آزادی در جستجوی اطلاعات باشد یا به گونه‌ای موسع، حق دسترسی به اطلاعات یا حق حصول و دریافت کردن آن معنی بدهد. متون حقوق بشری عموماً دربردارنده حق دسترسی آزاد آحاد مردم به اطلاعات و وظیفه متقابل دولت به اطلاع‌رسانی است. حق دسترسی به اطلاعات در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، ماده ۱۰ اعلامیه حقوق و وظایف انسان دول امریکائی^۳ و ماده ۹ منشور آفریقائی حقوق و وظایف مردمان^۴ و نیز اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی منعکس است.

رویه قضائی نیز بطور عام حق بر اطلاعات، و به طور خاص حق بر اطلاعات زیست‌محیطی را تصدیق می‌کند. دادگاه عالی بمبئی در سال ۱۹۸۶ به حق گروه‌های اقدام اجتماعی برای تحصیل اطلاعات حکم کرد.^۵ دادگاه در این قضیه مقرر کرد که

1. . Universal Declaration Of Human Rights.
2. . International Covenant On Civil And Political Rights.
3. . Inter-American Declaration Of The Rights And Duties Of Man.
4. . African Charter On The Rights And Duties Of Peoples.
5. . Bomby Environment Action Group Shaym HK Chainani Indian Inhabitant, Save Pune Citizen's Committee V. pune Cantonment Board, High Court of Bomby, Writ petition No. 2733 of 1986.

حق بر اطلاعات، از حق آزادی نطق و بیان نشأت می‌گیرد که توسط قانون اساسی تضمین شده است. متون حقوق بشر منطقه‌ای در بردارنده دستورالعمل‌های ارتباط با حق کسب اطلاعات یا تکالیف مشابه برای دولت می‌باشند. عموماً دولت‌های اروپائی موظفند به موجب ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی «آزادی دسترسی به اطلاعات را تضمین کنند.» در درون جامعه اروپا حق کسب اطلاعات عموماً به این معنا است که فرد حق دارد راجع به فرآورده‌های سازگار با محیط زیست، مراحل مختلف تولید و آثار آنها بر محیط زیست و تأسیسات صنعتی کسب کند. دستورالعمل‌های ویژه در خصوص حقوق عمومی اطلاعات متنوعند. برای نمونه، در ۷ ژوئن ۱۹۹۰ شورای اروپا دستورالعمل دسترسی آزاد به اطلاعات مربوط به محیط زیست را تصویب کرده است. این دستورالعمل شامل اطلاعاتی است که در دسترس مقامات عمومی بوده و مربوط به محیط زیست می‌باشند. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا^۱ کنوانسیون آرهوس را در ۲۵ ژوئن سال ۱۹۹۸ با عنوان «محیط زیست برای اروپا»^۲ تصویب و در ماده یک راجع به دسترسی به اطلاعات محیط زیست می‌گوید: «... هر عضو باید متعهد به حفظ حق دسترسی به اطلاعات... در موضوعات زیست‌محیطی مطابق با مقررات این کنوانسیون گردد. در سطح جهانی حق دسترسی به اطلاعات راجع به موضوعات زیست‌محیطی، در اصل ۱۰ بیانیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه مصوب ژوئن ۱۹۹۲^۳ منعکس و مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به بهترین نحو حل و فصل می‌شود که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطوح ملی، هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عمومی می‌باشد دسترسی داشته... باشد. دولت‌ها، از طریق اشاعه عام اطلاعات مربوط به محیط زیست، باید در ترویج و ارتقاء آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به حق دسترسی به اطلاعات ساکت است، هر چند می‌توان با تمسک به تفسیر موسع برخی از اصول قانون اساسی، بویژه اصل ۵۰ که حفظ محیط زیست و حقوق نسل‌های فعلی و آتی را وظیفه عمومی تلقی و فعالیت اقتصادی مخرب محیط زیست را ممنوع اعلام می‌کند،

1. . United Nation's Economic Commission for Europe.
2. . Environmental for Europe.
3. . Rio Declaration on Environment and Development and Agenda 21 (UN, 1992). A/CONF. 151/26 (VOL.1)

عصر دسترسی به اطلاعات را مستتر در اصل یاد شده استنباط کرد. در سال ۱۳۵۳ خورشیدی برابر با ۱۹۷۳ میلادی، قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولت به تصویب رسید که مقررات محدودکننده آن بسیار و اطلاعات قابل دسترسی ناشی از این قانون بسیار کم است. تنها در سال ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی) است که قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را مجلس شورای اسلامی تصویب نمود. به دلیل اهمیت قابل توجه کنوانسیون آرهوس به عنوان یک الگوی جهانی و واجد پایگاه اینترنتی، نگارنده در مقام بررسی و مقایسه عنصر دسترسی به اطلاعات در کنوانسیون آرهوس و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات برآمد، تا به این پرسش مطرح گوئیم که آیا قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که قریب به ۱۰ سال پس از آرهوس به تصویب رسیده است قادر به حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های فعلی و آتی همچون مقررات کنوانسیون آرهوس می‌باشد؟ با بررسی نکات ضعف و قوت دو سند یاد شده و مقایسه موردی آن دو، پژوهش پیش روی نشان می‌دهد که: مقررات دسترسی به اطلاعات منعکس در کنوانسیون آرهوس جامع‌تر، فراگیرتر، دارای ساز و کار خاص اجرای مقررات کنوانسیون و سندی صرفاً زیست محیطی است. در حالی که قانون انتشار و دسترسی آزاد عمدتاً مبتنی بر مقررات قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی است که استثنائات وارد بر دسترسی به اطلاع بسیار است. مقوله دسترسی به طور عام مطرح شده و بعضاً، از محیط زیست سخن به میان آمده است، لذا نه تنها سندی زیست‌محیطی نیست، بلکه به دلیل مبتنی بودن آن بر قانون مجازات افشای اسناد محرمانه دولتی، متضمن مصلحت سیاسی است، بنابراین مسال‌های که در این حوزه نمایان می‌شود، تعارض بین منافع ملی سیاسی و منافع ناشی از دسترسی بیشتر به اطلاعات زیست محیطی است در ادامه به بررسی کنوانسیون آرهوس و حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی بر اساس قوانین داخلی ایران و تجزیه و تحلیل ظرفیت‌ها و چالش‌ها در این زمینه می‌پردازیم.

۱. کنوانسیون بین‌المللی آرهوس

کنوانسیون آرهوس، همچنین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، هر یک به نوبه خود بر ابتدای زمینه‌ای و به نحوی خاص شکل گرفته‌اند. از جمله چالش‌های

زیست‌محیطی حفره لایه ازن در جو زمین توجه و ملاحظه در مورد مدارکی دال بر ارتباط تخریب لایه ازن، با شیوع فزاینده امراض پوستی، سرطان، آب مروارید، از کار افتادن نظام مصونیت (بدن) و نابودی محصولات را به خود معطوف نمود (موسوی، ۲۹). در واقع در پی آن بود که با انتشار کتاب «بهار خاموش» راشل کارسون، نهضت معاصر محیط زیست آغاز گردید که بی تردید بر سیاست‌های اجتماعی هر ملتی تأثیر خود را بر جای گذاشته است (کارسون، ۱۳۹۳: ۶-۵). این امر بیانگر اهمیت روزافزون دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی از هر قبیل می‌باشد. در واقع کنوانسیون آرهوس پاسخی به نگرانی‌ها و دلواپسی‌های شدید نسبت به آسیب‌رسانی به محیط زیست بود. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸، در چهارمین کنفرانس وزیران اروپا با شرکت کشورهای عضو، در آرهوس دانمارک تشکیل شد، و کنوانسیون راجع به: دسترسی به اطلاعات... عدالت در موضوعات زیست محیطی را به تصویب رسانید. این سند منحصر به منطقه اروپا نبوده و برای پیوستن کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد مفتوح است. ماده ۱۹ کنوانسیون در بند ۳ می‌گوید: «هر دولت دیگری غیر از دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای یکپارچه اقتصادی (منعکس در ماده ۱۷)، که عضو سازمان ملل است می‌تواند پس از تصویب مجمع اعضاء به این کنوانسیون ملحق شود. نخستین نشست کشورهای عضو کنوانسیون آرهوس در لوکای ایتالیا، در ۲۱-۲۳ اکتبر ۲۰۰۲ تشکیل و حاصل اجلاس علاوه بر بیانیه لوکا از جمله: طرح راهنمای دسترسی به اطلاعات، مشارکت و دسترسی به دادگاه با توجه به محصولات نوترکیب^۱ و آئین دادرسی^۲ آرهوس بود. موضوع دسترسی به اطلاعات در هیچ یک از اصول قانون اساسی مورد اشاره واقع نگردیده است. اما در اصل ۳ که در خصوص فراهم آوردن همه امکانات دولت برای نیل به اهداف منعکس در اصل ۲، راجع به معرفی پایه‌ها و ارکان نظام است، اموری را برمی‌شمارد از جمله در بند ۸، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. با توجه به مفاد این سند که، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت توسط قانون اساسی حق مردم است، می‌توان چنین استنباط کرد که پیش شرط آن یعنی دسترسی به اطلاعات به طور ضمنی و به تبع آن پذیرفته شده است. همچنین اصل ۵۰ قانون اساسی

1. . Genetically Modified Organisms.
2. . Rule of Producer.

به نحوی بیان گردیده که نیل به اهداف اصل مزبور، ضرورت مبرم به دسترسی به اطلاعات دارد. در این اصل از حفاظت محیط زیست، حفظ حقوق نسل امروز و نسل‌های بعدی سخن گفته و آن را وظیفه عمومی تلقی کرده است. فعالیت اقتصادی و هر فعالیت دیگر که محیط زیست را به نحو غیرقابل جبران تخریب نماید ممنوع اعلام شده است. انجام تکلیف عمومی بموجب اصل یاد شده مستلزم مشارکت عامه مردم در فرایند تصمیم‌سازی‌های زیست‌محیطی توسط مقامات عمومی است که دسترسی به اطلاعات، پیش‌شرط این مشارکت است. در واقع با توسل به تفسیر موسع می‌توان گفت: عنصر دسترسی به اطلاعات در متن اصول یاد شده مستتر و قابل استنباط است.

در بند دوم از اصل سوم قانون اساسی به ارتقا سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر اشاره شده است. به نظر می‌رسد آنچه در این اصل از موضوعیت برخوردار است ارتقاء سطح آگاهی عمومی است و استفاده از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر در این بند طریقت دارد. واضح است در جوامعی که در آن‌ها آزادی‌اندیشه و بیان نهادینه نشده باشد، رسانه آزاد نیز جایگاهی ندارد و لازمه عملکرد خوب رسانه‌ها آزادی بیان است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۲۰). بند هشتم از اصل سوم به اصل مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره می‌کند. هر چند در این اصل بر مشارکت مردم تأکید شده است، اما باید اسباب این مشارکت نیز فراهم گردد. یکی از اسباب، دست‌یابی به اطلاعات درست در خصوص مسائل و حوادث داخلی و بین‌المللی، چاپ، نشر و ممنوعیت سانسور است. در واقع، پاسخ‌گویی و قابلیت دسترسی به اطلاعات از زمره آزادی‌هایی هستند که زمینه استمرار حاکمیت مردم را در نظام جمهوری اسلامی ایران تسهیل می‌کند و باعث ارتقاء دانش عمومی می‌گردد (کریمی‌نیا، ۱۳۷۹: ۵).

بر این اساس، نظر به اینکه، مؤسسات عمومی و گاه خصوصی مرکز نگهداری اطلاعات هستند و مردم حق آگاهی و دسترسی به آن اطلاعات را دارند، اهمیت تعریف، شناخت و انواع مؤسسات عمومی کاملاً ضروری است. در این خصوص مؤسسه عمومی، مؤسسه‌ای است که دست کم واجد یکی از شرایط زیر باشد:

۱. بر اساس قانون اساسی یا مستقیماً به وسیله قانون عادی ایجاد شده، ۲. بخشی از حکومت به شمار آید، ۳. متعلق به حکومت بوده، ۴. متصدی یک امر عمومی باشد و بخش

اعظم بودجه آن از محل بودجه عمومی تأمین شود. چنین مؤسسه‌ای در عمل عناوین مختلفی مثل وزارتخانه، سازمان، شهرداری، بانک، شرکت یا بنیاد پیدا می‌کند.

بسیاری از کشورها، هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه را مشمول قانون آزادی اطلاعات دانسته‌اند، ولی برخی از آنها نیز قانون مذکور را صرفاً به قوه مجریه محدود کرده‌اند. اصولاً دلیلی برای مستثنا کردن قوای قانون‌گذاری و قضائی از شمول قانون آزادی اطلاعات وجود ندارد. در این زمینه دولت پاکستان، دستگاه‌های عمومی دولت فدرال نظیر وزارتخانه‌ها، دپارتمان‌ها، هیأت‌ها، شوراها، دادگاه‌ها و دیوان‌ها را مشمول آزادی اطلاعات دانسته و شرکت‌های دولتی و حکومت‌های محلی (استان‌ها) را از شمول این قانون مستثنا کرده است. در قانون آزادی اطلاعات مکزیک مجموعه مفصلی از تعهدات دستگاه‌های اداری پیش‌بینی و قوای مقننه و قضائیه مکلف به اجرای آن شده‌اند. مؤسسات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی (جاسوسی و ضدجاسوسی) تقریباً در همه کشورها از شمول قانون آزادی اطلاعات معاف شده‌اند. مؤسسات خصوصی و از جمله سازمان‌های غیردولتی^۱ نیز که به نیابت از دولت یا به هر دلیل دیگری عهده دار ارائه خدمات عمومی شده‌اند باید خود را ملزم به اطلاع‌رسانی و مشمول الزامات ناشی از حق دسترسی به اطلاعات بدانند. چون دولت این وظایف را به مؤسسات خصوصی واگذار کرده است، تکلیف اطلاع‌رسانی نیز به صورت ضمنی به مؤسسات مذکور منتقل می‌شود. در کشور آفریقای جنوبی، مؤسسات خصوصی به عنوان مؤسسات تجاری تعریف شده‌اند که مکلف‌اند اطلاعات لازم برای حمایت از حقوق افراد یا استیفای آن حقوق افشا کنند (انصاری، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳). با بررسی مقررات نحوه ارائه دسترسی اطلاعات در کنوانسیون آرهوس و مقایسه آن با مقررات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مکانیسم اصلی شیوه در دسترس قرار دادن و دستیابی به اطلاعات در هر دو سند حدوداً یکسان است. «به طور کلی از نظر مفهومی حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی به دو صورت متصور است: الف: حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی به معنای مضیق کلمه که در واقع همان آزادی جستجوی اطلاعات است. مطابق این تفسیر مقامات صالح، اطلاعات درخواست شده را بنا به تقاضای اشخاص حقیقی یا حقوقی در اختیارشان قرار می‌دهند. در واقع این نوع اطلاع‌رسانی جنبه انفعالی دارد زیرا مقامات ذی ربط با توجه به درخواست ارائه شده توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی

اقدام به اطلاع‌رسانی می‌کنند. ب: حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی به معنای وسیع کلمه، در واقع همان حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. در اینجا از اطلاع‌رسانی فعال صحبت می‌شود؛ یعنی اینکه مقامات صالح اداری بنا به ابتکار خود اقدام به اطلاع‌رسانی می‌کنند و احتیاجی به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی ندارند (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۳).

۱-۱. اطلاع‌رسانی در کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون آرهوس در خصوص دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیریها و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی توسط ۳۵ کشور کمیسیون اقتصادی اروپایی در کنفرانس وزیران اروپا تحت عنوان «محیط زیست برای اروپا» در آرهوس در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ امضاء گردید. این کنوانسیون در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ و به دنبال امضای ۱۶ کشور لازم‌الاجراء گردید. این کنوانسیون هم اکنون ۲۷ عضو دارد که غالباً از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و آسیای مرکزی و منطقه قفقاز هستند. هرچند این کنوانسیون در سطح اروپا و در چارچوب آیین‌ها و تشریفات سیاسی همکاری‌های زیست‌محیطی در سطح اروپا که شامل همه جمهوری‌های شوروی سابق در اروپا و آسیا نظیر ایالات متحده و کانادا می‌شود، مطرح گردید. لیکن این سند منحصر به منطقه اروپا نبوده و برای الحاق کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به شرط تصویب در جلسه‌های اعضا باز می‌باشد. اما با این وجود هیچ یک از کشورهای اروپایی علاقه خود را به عضویت در کنوانسیون آرهوس نشان ندادند. ایالات متحده آمریکا و کانادا نیز که اعضاء اصلی کمیسیون اقتصادی برای اروپا می‌باشند نیز در مذاکرات شرکت ننموده و از هنگام طرح رژیم آرهوس خارج از مجموعه قرار داشتند (UN Doc, 2003: 5-7).

کنوانسیون آرهوس ضمن موادی چند راجع به کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده و بهینه بودن آن که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، دستورالعمل‌هایی مقرر کرده و مقامات عمومی را در خصوص رعایت این مقررات هشدار مؤکد می‌دهد. ماده ۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: هر یک از اعضاء باید اطمینان حاصل کند که: در چارچوب قوانین ملی، روشی که در آن مقامات دولتی، برای در دسترس قرار دادن اطلاعات زیست‌محیطی در پیش می‌گیرند شفاف است، از جمله: ارائه اطلاعات کافی به مردم در مورد نوع و دامنه

اطلاعات زیست‌محیطی که توسط مقامات دولتی نگهداری شده است و آئینی که توسط آن می‌توان به اطلاعات مزبور دست یافت. کنوانسیون آرهوس، در این زمینه برای انتشار سریع اطلاعاتی که می‌تواند موجب حفظ حیات انسان‌ها و جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی گردد، اولویت خاصی قائل است. در سال ۱۹۹۸ قضیه‌ای نزد دیوان اروپائی حقوق بشر مطرح شد که بدین موضوع می‌پرداخت. دولت در آن قضیه، در انتشار به موقع اطلاعاتی قصور ورزیده بود، دادگاه چنین رأی داد: دولت به تعهد خود مبنی بر اطلاع‌رسانی در زمان مناسب عمل نکرده است (انصاری، ۱۳۹۰: ۷۵).

اطلاعات زیست‌محیطی به طور مرتب در پایگاه داده‌های الکترونیکی به راحتی در دسترس عموم مردم از طریق شبکه‌های مخابراتی عمومی قرار گیرد از جمله: گزارش وضعیت محیط زیست، متون قانونی مربوط به محیط زیست، سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به محیط زیست و موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی و سایر اطلاعات، به حدی که قانون ملی دسترسی به چنین اطلاعاتی را تسهیل می‌نماید. ملاحظه می‌شود دغدغه عمده کنوانسیون در دسترس قرار دادن اطلاعات، به روز کردن آنها، اعلام آئین دسترسی به اطلاعات است و تاکید در این خصوص را با عبارت «هر یک از اعضا باید اطمینان حاصل نماید که» بیان داشته است. کنوانسیون راجع به اینکه اطلاعات زیست‌محیطی در پایگاه داده‌های الکترونیکی از طریق شبکه‌های مخابراتی عمومی در اختیار مردم باشد، توجه خاص دارد. «راجع به شناسایی نقاط و راه‌های تماس، در کل یکی از موثرترین راه‌ها تأسیس دفاتر اطلاعات زیست‌محیطی است. برای نمونه، در ایرلند نهادی به نام «خدمات اطلاعات زیست‌محیطی دولتی» وجود دارد که دارای یک کتابخانه و پایگاه اطلاعاتی وسیعی در ارتباط با محیط زیست است. این نهاد، سطوح وسیعی از اطلاعات را به محض درخواست در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد.

۲-۱. اطلاع‌رسانی در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

از بررسی قوانین کنونی ایران در زمینه محیط زیست ما، این نتیجه به دست می‌آید که در حال حاضر، همه مؤسسات عمومی در چهار مقوله قابل دسته‌بندی هستند: وزارتخانه‌ها، موسسه دولتی، موسسه یا نهاد عمومی غیردولتی و شرکت دولتی. هر یک از مؤسسات مذکور را می‌توان دستگاه اجرائی نامید. بنابراین، اصطلاح موسسه عمومی

عنوان عامی است که شامل انواع مؤسسات عمومی می‌شود. ماده ۱۰ قانون: ماده ۱۰ قانون انتشار، در خصوص نحوه ارائه اطلاعات برای عموم چنین مقرر می‌دارد: هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل: عملکرد و ترازنامه (بیان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما که حداقل متضمن موارد زیر باشد منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

- اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و ساختار.
- سازوکارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن موسسه.
- انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن موسسه نگهداری می‌شود و آئین دسترسی به آنها.
- تمام سازوکارها یا آئین‌نامه‌هایی که به وسیله آن‌ها اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در اجرای اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحوی دیگر مؤثر واقع شوند (صلح‌چی و محمدی، ۱۳۹۴: ۸۷-۹۲).

ماده با رعایت ممنوعیت ورود به قلمرو «اطلاعات دارای طبقه‌بندی»، ارائه اطلاعات مجاز را به طور سالانه و حتی الامکان در یک کتاب راهنما جهت آگاهی عموم و در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی توصیه می‌کند. ماده در تبصره ذیل خود می‌گوید: حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم‌له می‌باشد. آنچه در کنوانسیون آرهوس پیرامون تکلیف اعضاء به ارائه اطلاعات منعکس است، در مقام مقایسه با موارد مذکور در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به مراتب جامع‌تر و فراگیرتر می‌باشد. تلاش فراوان به عمل آمده تا اطلاعاتی که گردآوری می‌شود هر چه بیشتر علمی اشد. سعی بلیغ شده است که نحوه ارائه اطلاعات ساده و بدون تشریفات غیر لازم و پیچیده باشد، همچنین دسترسی به اطلاعات کاملاً تسهیل شود.

۲. حق دسترسی به اطلاعات و شیوه دستیابی به آن

۲-۱. دارندگان حق دسترسی به اطلاعات

آیا دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و خصوصی، حقی است مخصوص شهروندان و اتباع یک کشور یا اینکه عموم افراد از چنین حقی برخوردارند؟

کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات را در زمره حقوق بشر می‌دانند، بدون هیچ تبعیضی حق دسترسی به اطلاعات را شناسایی کرده‌اند. ولی کشورهایی که این حق را خاص شهروندان می‌دانند برای اتباع خارجی چنین حقی قائل نیستند (ویژه، ۱۳۸۵: ۸۰).

۱-۲-۱. کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون در بند ۹ ماده ۳ در خصوص کسانی که حق دسترسی به اطلاعات دارند می‌گوید: در داخل محدوده مقررات مربوط به این کنوانسیون، مردم باید دسترسی به اطلاعات را بدون تبعیض در شهروندی، ملیت، تابعیت یا اقامتگاه دارا باشند و در مورد شخص قانونی، اینکه در کجا ثبت شده یا مرکز فعالیت مؤثر او در کجا قرار دارد، نباید تبعیض وجود داشته باشد. ماده، «مردم» را صاحب حق دسترسی به اطلاعات می‌داند، مردم اسم جمع است و معنای اطلاق دارد. لذا همه افراد و اشخاص را شامل می‌شود. شهروند هر کشوری می‌تواند در کشور دیگر که تبعه آن نیست متقاضی کسب اطلاعات شود. ماده راجع به شخص قانونی توجه به اشخاص حقوقی خصوصی دارد، زیرا به مطالبی مانند «در کجا ثبت شده» یا «مرکز فعالیت مؤثرش» در کجا قرار دارد، اشاره می‌کند که راجع به شرکت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد است (صلح‌چی و محمدی، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۶).

۲-۱-۲. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

ماده ۲ قانون، در معرفی اشخاصی که حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارند می‌گوید: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. با توجه به تعریف حقوقی شخص، که: کسی (است) که موضوع حق قرار گیرد مانند انسان و شرکت تجاری و انجمن‌های خیریه و دولت. بنابراین شخص شامل شخص حقیقی (انسان و شخص طبیعی) و شخص حقوقی می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۷۲). بنابراین کلیه افراد طبیعی یا حقیقی ایرانی را شامل می‌شود. شرکت‌های تجاری، سازمان‌های غیردولتی به شرط اینکه در ایران به ثبت رسیده باشند و ایرانی محسوب گردند، مشمول این قانون هستند و ممنوعیت دسترسی اشخاص غیرایرانی در این تعریف به وضوح منعکس است. لذا، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، فقط اشخاص ایرانی

را برخوردار از دسترسی به اطلاعات می‌داند و حال آنکه کنوانسیون کلیه اتباع کشورها را بدون تبعیض در ملیت، تابعیت و اقامتگاه قانونی صاحب حق دسترسی به اطلاعات می‌داند و این امر وجه تمایز فاحش میان این دو قانون است.

۲-۲. شیوه دسترسی به اطلاعات

مراتب دسترسی به اطلاعات نباید بی‌دلیل طاقت‌فرسا باشد. به عبارت دیگر یکی از معیارهای کلیدی ارزیابی اعتبار قوانین مربوط به آزادی اطلاعات، دسترسی آسان، کم‌هزینه و سریع افراد به اطلاعاتی است که در جستجوی آن هستند. مطالعه تطبیقی قوانین کشورها نشان می‌دهد که مقررات آن‌ها در مورد تسهیل دسترسی به اطلاعات شباهت‌های زیادی با هم دارند. تقریباً بیشتر آن‌ها پیش‌بینی کرده‌اند که تقاضای دسترسی باید کتبی بوده و در برخی موارد ممکن است شفاهی نیز باشد و متقاضی باید نام و شماره تماس خود را به همراه توضیح کافی از اطلاعات درخواستی در اختیار موسسه قرار دهد. در برخی از کشورها همانند آفریقای جنوبی، کمک به مردمی که به دلیل بی‌سوادی یا ناتوانی جسمی نمی‌توانند تقاضای کتبی ارائه‌کننده پیش‌بینی شده است (انصاری، ۱۳۹۰: ۵۱).

۲-۲-۱. کنوانسیون آر هوس

کنوانسیون راجع به نحوه درخواست، تشریفات مفصلی قائل نشده، با این همه کنوانسیون از فرم درخواست نام می‌برد که متضمن نسخه‌هایی از مستندات واقعی یا متشکل از مشخصات کامل اطلاعات درخواستی است. در ماده ۴ بند ب مقرر می‌دارد: برای مقامات دولتی منطقی است که در شکل‌گیری آن، فرمی بسازند که قابل دسترسی باشد. به نظر می‌رسد: کنوانسیون شکل و فرم درخواست را که امری شکلی و آئینی است بر عهده دولت‌های عضو و در نهایت مقامات عمومی طرف‌های متعاقد قرار داده است.

۲-۲-۲. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات طی مواد ۶ الی ۹، درخواست دسترسی به اطلاعات از موسسه را بدون هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی می‌پذیرد. موسسه عمومی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و نمی‌تواند حداکثر

بیش از ۱۰ روز باشد. قانون در خصوص فرم پاسخ دهی به درخواست ساکت است اما آئین نامه مربوط در تبصره ذیل ماده ۳، اشعار می‌دارد: مؤسسات مشمول قانون باید کاربرگ (فرم) الکترونیکی و نسخه قابل چاپ درخواست اطلاعات را در درگاه خود قرار دهند. ماده ۴ اضافه می‌نماید که: مؤسسات مشمول قانون موظفاند از طریق درگاه خود یک امکان ارتباطی امن و قانونی برای انجام رویه‌های اداری برقرار کنند تا کاربران بتوانند با استفاده از ابزارهای دسترسی و ارتباطی نظیر تلفن، رایانه، یا تلفن همراه خود با موسسه مربوط ارتباط برقرار کنند. کاربرگ‌های اداری آن نباید منوط به مراجعه حضوری شهروندان و صاحبان مشاغل به مؤسسات مشمول قانون باشد (Morgera, 2009: 76-79).

قابل توجه است که در خصوص شکل فرم درخواست و نحوه تنظیم، کنوانسیون آرهوس و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، توصیه‌های نسبتاً مشابهی به اعضا نموده‌اند.

۳. استثنائات وارد بر دسترسی به اطلاعات

در میان دلایل مختلفی که معمولاً برای جلوگیری از افشای اطلاعات به کار می‌رود، می‌توان از دفاع از امنیت ملی، بهداشت عمومی، سلامتی افراد، پیش‌گیری از انحراف تحقیقات مربوط به جرائم، اسرار تجاری، امتیازات قانونی، حریم خصوصی، محرمانه بودن معاملات بین‌سازمانی و محرمانه بودن اطلاعاتی که از سازمان‌های بین‌المللی دریافت می‌شود نام برد. آزادی اطلاعات اصل، و محدودیت‌ها، استثناء می‌باشد. بنابراین در تعیین احکام حاکم بر رابطه بین آن‌ها باید از قواعدی پیروی کرد که بر رابطه بین اصل و استثناء حاکم است. استثناء باید به صورت مضیق تفسیر شود و در تعیین مفاد آن باید به قدر متقین بسنده کرد.

۳-۱. استثنائات دسترسی به اطلاعات در کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون آرهوس در موارد متعددی درخواست را قابل رد تلقی می‌کند. موارد مذکور را می‌توان تحت دو عنوان مورد بررسی قرار داد. یکی موارد رد درخواست به لحاظ شکلی و دیگری به لحاظ ماهوی (تأثیر منفی بر محرمانه بودن).

۱-۱-۳. موارد رد درخواست به لحاظ شکلی.

کنوانسیون در بند ۳ از ماده ۴ می‌گوید:

درخواست کسب اطلاعات زیست‌محیطی ممکن است رد شود اگر: مقام دولتی مورد درخواست، اطلاعات زیست‌محیطی درخواست شده را نگهداری نمی‌کند، و مقام مذکور ناچار به رد درخواست می‌باشد.

به موجب بند ۵ این ماده، مقام دولتی مذکور باید در اسرع وقت، به متقاضی اطلاع دهد که از مقام دولتی دیگری اطلاعات را درخواست نماید و یا خود درخواست را به مقام دارنده اطلاعات انتقال دهد و به اطلاع متقاضی نیز برساند.

«بعضی از کشورها مثل اکراین به لحاظ اهمیت اطلاع‌رسانی مقرر کرده، اگر مقام عمومی اطلاعات درخواستی را در اختیار دارد باید مراتب را به متقاضی اعلام دارد، و ظرف ۱۰ روز اقدامات لازم را معمول دارد.

امتناع باید مکتوب باشد. هم چنین امتناع باید متضمن دلیل رد درخواست باشد. بسیاری از کشورها ترجیح می‌دهند رد درخواست را به طور کتبی به اطلاع متقاضی برسانند.

به عنوان مثال: در بلژیک اگر دلایلی که برای رد درخواست ارائه شده متقاضی را متقاعد نکند، رد کتبی درخواست برای متقاضی، این مبنای حقوقی را ایجاد می‌کند که به موجب ماده ۹ پژوهش خواهی کند. در فرانسه، مقامات باید مقرراتی را که بر مبنای آن رد درخواست صورت گرفته است مشخص کند (انصاری، ۱۳۹۰: ۵۱-۵۰).

درخواست، آشکارا و به وضوح فاقد مشخصات خاص است و به گونه ای بسیار کلی عنوان شده است. کنوانسیون در بند ۱ ماده ۴ متذکر گردیده است که درخواست باید منضم به مستندات واقعی اطلاعات مورد درخواست بوده باشد. چنانچه اطلاعات مورد درخواست فاقد مشخصات پیش گفته بوده و خیلی کلی عنوان شده باشد چنین درخواست مبهمی محکوم به رد است. درخواست مربوط به اطلاعاتی است که در حال کامل شدن است و یا مربوط به ارتباطات داخلی مقامات دولتی است. در مورد اول به لحاظ اینکه مورد درخواست و فرم نهائی و کامل خود را نیافته است، از طرف مقام دولتی ذی ربط رد خواهد شد. نسبت به مورد دوم نظر به اینکه مورد درخواست مربوط به ارتباطات داخلی مقامات عمومی است، با توجه به منافع عمومی افشای آن مقدور نمی‌باشد.

۲-۱-۳. موارد رد درخواست به لحاظ ماهوی (تأثیر منفی بر محرمانه بودن).

شناسایی صریح حق بر محیط زیست سالم در کنوانسیون آرهوس، اهمیت مقررات اجرایی را در جهت اعمال حقوق روبه‌های، دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت را به وضوح با پشتوانه قانونی و فلسفی از این حقوق را نشان داد. این کنوانسیون خاطر نشان می‌کند که این حقوق مرزی ندارند اما به صورت معنا داری این حقوق را به عنوان ابزاری در جهت حمایت از حقوق ماهوی افراد به زندگی در محیط زیست سالم مشخص می‌نماید. به هر حال این کنوانسیون همان‌گونه که مقررات ماده ۱ هیچ‌گونه تعهد خاصی را ماورای سایر مقررات کنوانسیون بر اعضاء تحمیل نمی‌نماید، نتایج حقوقی فوری ندارد (UN Doc, 2003:5-7). بند ۴ ماده ۴ کنوانسیون می‌گوید: درخواست کسب اطلاعات زیست‌محیطی رد می‌شود، چنانچه افشای آن اطلاعات، تأثیر منفی بر موارد محرمانه زیر بگذارد. محرمانه بودن اقدامات مقامات دولتی، که محرمانه بودن آن بر اساس قانون ملی است. محرمانه بودن اطلاعات تجاری و صنعتی، که قانون ملی به منظور حفاظت از منافع مشروع اقتصادی. از محرمانه بودن اطلاعات تجاری و صنعتی حمایت کرده است. اطلاعات تولید گازهای گلخانه‌ای که مربوط به حفاظت از محیط زیست است، از این قاعده مستثنی بوده و فاش می‌شود. محرمانه بودن اطلاعات شخصی و یا فایل‌های مربوط به شخص حقیقی که آن شخص به افشای اطلاعات به عموم رضایت نداده و محرمانه بودن آن طبق قانون ملی است. «وقتی یک مقام عمومی تشخیص می‌دهد که بر طبق یکی از استثنائات مقرر، اطلاعات شخصی محرمانه تلقی می‌گردد، به موجب مقررات کنوانسیون مقامات عمومی باید بخش‌های غیر محرمانه این اطلاعات را در اختیار عموم قرار دهد (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

۲-۳. استثنائات دسترسی به اطلاعات در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (اسرار دولتی)، در ماده ۱۳ می‌گوید: در صورتی که درخواست متقاضی به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد، مؤسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آنها امتناع کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود.

۱-۲-۳. اسرار دولتی

اصل بیست و چهارم مقرر می‌کند: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد» (یزدانی‌زنور، ۱۳۸۴: ۲۸). اسرار دولتی، اطلاعاتی هستند که از سوی مقامات صلاحیت‌دار دولتی با رعایت تشریفات قانونی، طبقه‌بندی شده‌اند. اطلاعاتی که به عنوان اسرار دولتی قابل طبقه‌بندی هستند از نظر موضوع، به مقوله‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شوند که مهم‌ترین مقوله‌ها عبارت‌اند از: اسرار نظامی، اسرار اقتصادی و علمی و فناوری، اسرار سیاسی، اطلاعات مربوط به جاسوسی و ضدجاسوسی. در نظام حقوقی ایران، قانون جامعی در زمینه اسرار دولتی وجود ندارد. در وضع کنونی، نظام‌بندی مقوله‌های مختلف اسرار دولتی، تابع «قانون مجازات و انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی» مصوب ۱۳۵۳ و «آئین نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات، مصوب ۱۳۵۴ هیئت وزیران، «قانون مجازات اسلامی» و «قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح» می‌باشد. در ماده ۳ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی از عبارت «کسی که صلاحیت اطلاع بر آن ندارد» استفاده شده و در تبصره ماده ۶ آئین نامه طرز نگاه‌داری اسناد سری و محرمانه دولتی و غیره از عبارت «کسی که لازم نیست سند سری یا محرمانه را رؤیت کند» استفاده شده است، ولی مشخص نشده است که چه کسی صلاحیت اطلاع بر اطلاعات طبقه‌بندی شده را دارد و یا چه کسی لازم است سند سری یا محرمانه را رؤیت کند یا از مفاد آن مطلع شود. اینکه آیا شهروندان می‌توانند در زمره اشخاص صلاحیت‌دار برای اطلاع از اسناد طبقه‌بندی شده باشند یا اینکه چگونه می‌توان فهمید که آیا لازم است یک شهروند از اطلاعات طبقه‌بندی شده مطلع شود یا خیر، مسکوت مانده است. قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹ بهمن ماه ۵۳، (روزنامه رسمی شماره ۸۷۹۴ مورخ ۵۳/۱۲/۲۴)، در ماده ۱ می‌گوید: اسناد دولتی سری اسنادی است که افشای آن‌ها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت باشد. اسناد دولتی محرمانه، اسنادی است که افشای آن‌ها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده باشد. به نظر می‌رسد: اسناد سری دولتی در روابط بین‌المللی اثرگذار می‌باشد و لذا از اهمیت بیشتری در برابر مصالح خاص اداری برخوردار است. مصالح اخیر واجد دو وصف «خاص» و «اداری» است که بیشتر موجب اختلال در امور داخلی نظام است.

۲-۲-۳. حریم خصوصی

حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهد: منازل و امکان خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند. حق حریم خصوصی با خود کامگی و استبداد حکومت‌ها تقابل دارد و شناسائی حق حریم خصوصی عمدتاً مستلزم محدود کردن اختیارات حکومت است. بنابراین، ماهیت دولت‌های حاکم و اعتقاد یا عدم اعتقاد آنها به ضرورت شناسائی چنین حقی اهمیت خاص دارد (انصاری، ۱۳۹۱: ۳۸).

بر خلاف قوانین اساسی کشورهای که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان حمایت کرده باشد وجود ندارد، هرچند که اصل بیست و دوم قانون اساسی بیان می‌کند: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز نماید». این اصل بر اساس اصل بیست و سوم پیش‌نویس قانون اساسی نضج گرفته است (زارعی، ۱۳۸۱: ۱۷).

اگر حریم خصوصی را در حوزه‌های حریم خلوت و تنهائی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی دسته‌بندی کنیم، در قانون اساسی ایران: ۱. داشتن حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی مورد شناسائی واقع نشده است؛ ۲. حریم خلوت و تنهائی نه به صورت صریح و نه به صورت ضمنی حمایت نشده است،

۳. آزادی اطلاعات جز به صورت بسیار مضیق در اصل ۲۴ قانون اساسی منعکس نشده است و استثناهای این آزادی نیز «عدم اخلال به مبانی اسلام» و «عدم اخلال در حقوق عمومی» ذکر شده است.

اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. از مصادیق دیگر حریم خصوصی «داده‌های شخصی» است. که به قلمرو خصوصی

افراد تعلق دارند. بنابراین، مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تنها در صورت ضرورت می‌توانند این اطلاعات را جمع‌آوری کنند.

«دستورالعمل شورای اروپا در حمایت از داده‌های شخصی، در ماده ۲ بند الف داده‌های شخصی را چنین تعریف می‌کند: داده‌های شخصی عبارت است از هر گونه اطلاعات راجع به یک شخص با هویت مشخص یا قابل شناسائی، شخص قابل شناسائی کسی است که مستقیم یا غیرمستقیم، به ویژه از طریق مراجعه به یک شماره هویت یا یک یا چند عامل خاص درباره هویت جسمانی، روانی، ذهنی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی قابل شناسائی است». متأسفانه در کشور ما مقررات مشخصی در حمایت از این داده‌ها (شخصی) وجود ندارد و در عمل رویه‌های سلیقه‌ای و بسیار مختلف در خصوص جمع‌آوری و استفاده از داده‌های شخصی به چشم می‌خورد. عنصر مهم دیگر که در محدوده حریم خصوصی قرار دارد، امنیت ملی است. «امنیت ملی مهم‌ترین و نخستین محدودیت آزادی بیان است. امنیت ملی را به وجود اطمینان خاطر برای دولت و شهروندان مبنی بر اینکه، تمامیت سرزمینی یا حکومت آن‌ها در معرض تهدید داخلی یا خارجی قرار ندارد تعبیر کرد. یعنی، امنیت ملی امری است که تنها در صورت وجود تهدید علیه امنیت ارکان و عناصر یک دولت-کشور می‌توان به آن متوسل شد. دولت‌ها می‌توانند برای حمایت از امنیت ملی، برخی اطلاعات و مؤسسات را از شمول الزامات آزادی بیان و اطلاعات خارج کنند. در این خصوص، همواره این تردید وجود دارد که دولت‌ها ممکن است از اختیار خود سوء استفاده کنند. برای تعیین معیارها و موازینی که افشای اطلاعات خاص امنیت ملی را در معرض خطر قرار می‌دهد، مجموعه اصول ژوهانسبورگ ۱۹۹۵ در صدد امنیت ملی را به چیزهایی که به نحو مشروع قابل توجیه هستند محدود سازند. ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، در دو مورد درخواست دسترسی به اطلاعات را مردود می‌داند: مورد اول چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد، و مورد دوم زمانی که اطلاعات خواسته شده در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده باشد. مؤسسات مشمول این قانون باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری نمایند، چنانچه پذیرش درخواست اطلاعات سبب افشای غیر قانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد.

موسسه مزبور تحت شرایط خاص می‌تواند اطلاعات محرمانه شخصی را در

اختیار متقاضی قرار دهد، از جمله اینکه: شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد، یا، شخص متقاضی، ولی، قیم یا وکیل شخص ثالث باشد. چنانچه درخواست کننده اطلاعات، موسسه عمومی باشد و اطلاعات درخواستی قانوناً به طور مستقیم به وظایف قانونی آن موسسه مربوط می‌شود (Morgera, 2009: 89).

۳-۲-۳. منافع و مصالح عمومی

ماده ۱۶ قانون انتشار و ... می‌گوید: چنانچه مؤسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی احراز نمایند که در اختیار قراردادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا سبب ورود خسارت مالی یا تجاری برای آنها می‌شود، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع ورزند. ماده ۱۷ قانون، مؤسسات مشمول این قانون را مکلف می‌کند. چنانچه اطلاعات درخواستی به امور زیر لطمه وارد نماید، از دادن اطلاعات خودداری نماید. برقراری امنیت و آسایش عمومی. جلوگیری از اختلال در نظم، از اهم وظایف دولت است. موسسه عمومی باید از دادن اطلاعاتی که مُخل امنیت و آسایش و یا بر هم زنده نظم عمومی است خودداری ورزد. بازداشت یا تعقیب مجرمان. پیشگیری از جرائم یا کشف آنها از وظایف مهم قوه قضائیه است، لذا در صورتی که موسسه بداند در اختیار قرار دادن اطلاعات، این وظایف را مختل می‌کند و مانعی در اجرای صحیح و کامل این وظایف است، باید از ارائه اطلاعات خودداری نماید. چنانچه ارائه اطلاعات از طرف مؤسسات مشمول قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، بر ممیزی و تشخیص مالیات یا عوارض قانونی و وصول آنها خدشه وارد کند، موسسه مذکور مکلف است از در اختیار قرار دادن اطلاعات خواسته شده خودداری کند. با مقایسه استثنائات در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و مقررات کنوانسیون آرهوس ملاحظه می‌شود عمده موارد محرمانه بودن اطلاعات در قانون انتشار مربوط به اسناد سری و طبقه بندی شده دولتی است. موارد محرمانه مذکور در کنوانسیون آرهوس منعکس نگردیده است. مقدمه کنوانسیون آرهوس صراحتاً اصل نخست اعلامیه استکهلم و قطعنامه ۴۵/۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد را یادآوری می‌کند. این کنوانسیون با تعبیر دیگری از مقدمه کنفرانس استکهلم «... باشناسایی اینکه حمایت

از محیط زیست برای رفاه و برخورداری از حقوق اساسی بنیادین از جمله حق بر حیات ضروری می باشد...» پیوندی مفهومی میان حقوق محیط زیست ماهوی و رویه‌ای برقرار می نماید. با تاکید بر اینکه «شهروندان باید به اطلاعات زیست محیطی به منظور دفاع از حق بر زندگی در یک محیط زیست مطابق با سلامتی و رفاه خویش را را داشته باشند.» (Commission on Human and Peoples', October 2001). با این همه موارد معدودی از استثنائات دسترسی به اطلاعات در هر دو قانون مشترک و مشابه است از قبیل: اطلاعات مربوط به حریم خصوصی اشخاص، افشای اطلاعاتی که سلامتی افراد را در معرض خطر قرار می دهد، اطلاعاتی که افشای آن‌ها سبب ورود خسارت مالی و تجاری می شود، از این قبیل. بر عکس کنوانسیون آرهوس متعرض اسناد محرمانه به طور وسیع و گسترده نشده و بنظر می رسد این امر را به صلاحدید دولت‌های عضو واگذار نموده است.

۴. نظارت بر اجرای مؤثر اطلاع رسانی

۴-۱. شیوه نظارت در کنوانسیون آرهوس. (کمیته نظارت یا انطباق)

یکی از ویژگی‌های کنوانسیون آرهوس آئین نظارت بر رعایت مقررات کنوانسیون و سازوکارهای اجرائی آن است، ماده ۱۵ می گوید: «اجرای مقررات این ماده کنوانسیون مبنی بر تکلیف مجمع اعضاء به ایجاد ترتیباتی اختیاری و غیر قضائی و ... برای بررسی مطابقت عملکردهای اعضاء با مقررات کنوانسیون می باشد». کنوانسیون در اکتبر ۲۰۰۲ در اولین نشست، مجمع اعضاء ضمن تصویب چگونگی تأسیس نهاد نظارت، اعضاء کمیته نظارت (انطباق) را انتخاب و تعیین نمودند. سپس دستور کاری تحت عنوان Modus operandi تهیه شد. به موجب این دستور کار، کمیته مزبور به طور منظم، مسائل مربوط به انطباق عملکرد اعضاء را با مقررات کنوانسیون، بر اساس گزارش‌های به دست آمده بررسی می کند. کمیته نظارت می تواند بنا به درخواست مجمع یا ناظران، بر طبق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون نیز عمل نماید که می گوید، اعضاء باید در جلسات خود به بررسی مستمر اجرای مقررات این کنوانسیون بر اساس گزارش‌های منظم اعضاء بپردازند. مطابق با ماده ۱۴ که ناظر به تجدید نظر در کنوانسیون است، هر عضو می تواند اصلاحاتی بر این کمیسیون را پیشنهاد نماید، متن اصلاحیه پیشنهادی جهت تصویب به دبیر اجرائی کمیسیون اقتصادی اروپا ارائه می شود.

۴-۲. شیوه نظارت در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (کمیسیون ماده ۱۸)

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، به موجب ماده ۱۸، برای نظارت کلی بر حسن اجرا، رفع اختلالات در چگونگی ارائه اطلاعات و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رئیس جمهور با ترکیب خاصی از وزرا، تشکیل می‌شود که ریاست کمیسیون به عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است:

مصوبات کمیسیون پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۲۰ مقرر می‌دارد: کمیسیون باید هر ساله گزارشی درباره رعایت قانون در مؤسسات مشمول این قانون و فعالیت‌های خود را به مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهور تقدیم کند.

در هر دو سند، نهاد نظارتی، با ساز و کار اجرائی قابل توجه پیش‌بینی شده است. با این‌همه: ماهیت و حجم اطلاعات در دسترس، بیش از امر نظارت بهینه بر ارائه اطلاعات شایان توجه می‌باشد. نظر به اینکه مصوبات کمیسیون ماده ۱۸، پس از تأیید رئیس جمهور قابل اجراست، می‌تواند متأثر از ملاحظات سیاسی باشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۳).

۵. دسترسی به عدالت

حق به جبران مؤثر خسارت در معنای دسترسی به عدالت و غرامت در قواعد حقوق بشر و هم در حقوق محیط زیست یافت می‌شود. میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد در موارد نقض حق‌های تحت حمایت حقوق ملی یا بین‌المللی، دولت‌ها را به تأمین شیوه‌های جبرانی فرا می‌خواند. در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، جایی که نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون وجود داشته باشد ماده ۱۳ جبران را تضمین می‌کند، از این رو این تضمین، نقض‌های حق بر اطلاعات را نیز در بر می‌گیرد. حق بر جبران، ضرورتاً به اتباع کشورها محدود نیست. بعضی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی حاوی تعهدی دائر بر اعطای حق دسترسی به کلیه آئین‌های اداری و قضائی به هر شخص زیان دیده، در حالتی برابر با اتباع و مقیمان هستند (شیلتون، ۱۳۹۱: ۹۰).

۱-۵. دستیابی به عدالت در کنوانسیون آرهوس

یکی از خصیصه‌های بارز کنوانسیون آرهوس، ابتکار ساز و کار اجرایی لازم نسبت به مقررات کنوانسیون است. ماده ۹ کنوانسیون در مقام بیان دستیابی به عدالت می‌گوید: چنانچه درخواست کسب اطلاعات بموجب ماده ۴ نادیده گرفته شده، یا باشتباه بعضی از اطلاعات یا به طور کامل رد شده و یا ناقص پاسخ داده شود، درخواست‌کننده اطلاعات حق تجدیدنظرخواهی از تصمیم مقام عمومی به دادگاه تجدید نظر و یا یک هیئت مستقل قضائی که بموجب قانون تشکیل شده است را دارد. شناسایی صریح حق بر محیط زیست سالم در کنوانسیون آرهوس، اهمیت مقررات اجرایی را در جهت اعمال حقوق رویه‌ای، دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به عدالت را به وضوح با پشتوانه قانونی و فلسفی از این حقوق را نشان داد. این کنوانسیون خاطر نشان می‌کند که این حقوق مرزی ندارند اما به صورت معنا داری این حقوق را بعنوان ابزاری در جهت حمایت از حقوق ماهوی افراد به زندگی در محیط زیست سالم مشخص می‌نماید. به هر حال این کنوانسیون همان‌گونه که مقررات ماده ۱ هیچگونه تعهد خاصی را مآورای سایر مقررات کنوانسیون بر اعضاء تحمیل نمی‌نماید، نتایج حقوقی فوری ندارد (European Community, 24 October 2003). کنوانسیون به منظور اثرگذاری بیشتر مفاد این کنوانسیون، اعضاء را ملزم می‌کند اطمینان حاصل نمایند که دسترسی به اطلاعات به شیوه‌های بررسی اداری و قضائی به عموم ارائه شده است.

۲-۵. دستیابی به عدالت در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

بررسی قانون انتشار و آئین‌نامه اجرای آن حکایت از این دارد که در قانون مزبور، راجع به ضمانت اجرای دسترسی به اطلاعات صراحتاً مطلبی عنوان نگردیده است. هرچند: راجع به ممانعت از دسترسی به اطلاعات و مواردی از این قبیل، در ماده ۲۲ تضمین هائی مقرر شده است. به عنوان مثال، در بند دوم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از عنوان آزادی اطلاعات به صراحت استفاده شده که این عنوان مبهم است و شاید این تصور را ایجاد کند که منظور از آن، آزادی دسترسی به همه نوع اطلاعات است؛ اما این تصور درست نیست. چرا که منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در موسسات عمومی و برخی موسسات غیرعمومی

است (سلیمان دهکری و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۸۸).

از آنجا که قانون یاد شده در ماده ۲، «حق دسترسی» به اطلاعات را برای هر «شخص ایرانی» به رسمیت شناخته و در ماده ۵ نیز مؤسسات عمومی را «مکلف» به ارائه اطلاعات نموده است. به نظر می‌رسد: به موجب اصول کلی حقوقی و اینکه دسترسی به اطلاعات و ارائه آن به موجب این قانون متضمن «حق و تکلیف» است، در صورتی که حق متقاضی در این خصوص تضییع گردد، درخواست‌کننده برای مطالبه اطلاعات درخواستی و خسارت احتمالی ناشی از عدم دریافت، حق مراجعه به محاکم قضائی را داراست. با مقایسه دسترسی به عدالت در دو سند موصوف، ملاحظه می‌شود سازوکار ضمانت اجرای دسترسی به اطلاعات در کنوانسیون آرهوس شامل دو مرحله است: نخست، بررسی دوباره موضوع توسط همان مقام تصمیم‌گیرنده و در مرحله دوم تجدید نظر توسط یک دادگاه یا نهاد مستقل و بی‌طرفی که به موجب قانون تأسیس شده است. برعکس، در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، نص صریحی راجع به دستیابی به عدالت بعلت عدم امکان دسترسی به اطلاعات وجود ندارد، بلکه باید به عموماً قانونی در این مورد تمسک جست.

نتیجه

در جهان امروزی، دولت‌ها نمی‌توانند مرزهای خود را ببندند تا از اثرات فاجعه‌ها و رخدادهای محیط زیستی در امان باشند. در عین حال خطرات و تهدیدات محیط زیستی جهانی دراز مدت، نظیر فرسایش لایه اُزن، تغییرات آب و هوایی و بارانهای اسیدی خطرات بالقوه بسیاری برای حیات بشر به شکلی نو به همراه می‌آورند. تا انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم، انسان در محیط زیست خود در تعادل زندگی می‌کرد، از جانوران و گیاهان برای امرار معاش خود استفاده می‌کرد و پاکت‌راشی جنگل‌ها به نواحی نسبتاً کوچکی برای کشاورزی محدود می‌شد. این تعادل با رشد جمعیت جهانی شروع به تغییر کرد. به هر حال تا اواسط قرن بیستم، تخریب محیط زیست نسبتاً محدود بود. تعداد کمی از گونه‌ها منقرض شدند و در حفاظت از تنوع زیستی مشکل عمده‌ای وجود نداشت. این وضعیت به طور عمده از دهه ۱۹۵۰ تغییر کرد. تخریب زیستگاه‌های طبیعی توسط انسان، بیشترین تهدید برای تنوع زیستی به شمار می‌آید، زیرگونه‌ها (و ذخائر ژنی آنها) به شرایط مناسب حیاتی نیاز دارند. «تمامی اشکال

حیات به عنوان یک میراث اسای بشر باید حفاظت شوند، از این رو، آسیب‌رساندن به تعادل زیستی ارتکاب جرم علیه آینده بشریت است» در مواجهه با عظمت و فوریت این گونه مشکلات و مسائل محیط زیستی بین‌المللی، جهان یک بیداری سیاسی را تجربه کرده است. این امر، خواست جهانیان را به دسترسی به اطلاعات، صد چندان کرد. دسترسی به اطلاعات زیست محیطی پیش شرط مشارکت موثر عمومی در تصمیم‌سازی و نظارت بر فعالیت‌های حکومتی و بخش خصوصی است. تصویب کنوانسیون آرهوس در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ در دانمارک، توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا، پاسخی به دلواپسی‌ها و دغدغه‌های جهانیان بود که دسترسی چندانی به اطلاعات نداشتند. کنوانسیون آرهوس نخستین توافق زیست‌محیطی چندجانبه‌ای است که هدف اصلی آن بار نمودن تعهداتی بر طرفین در مورد شهروندان می‌باشد. بدین طریق میان این کنوانسیون و حقوق بین‌الملل بشر همبستگی نزدیکی وجود دارد. به لحاظ اهمیت چشم‌گیر کنوانسیون آرهوس راجع به عنصر دسترسی به اطلاعات و ساز و کارهای اجرائی و نظارت بر رعایت مقررات کنوانسیون، الگو و نمونه منحصر به فرد بودن و پیوستن تعداد قابل توجهی از کشورها به آن و حیثیت جهانی یافتن است که نگارنده در مقام بررسی مقایسه عنصر دسترسی به اطلاعات در کنوانسیون آرهوس و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ۱۳۸۷ ایران برآمد تا به این پرسش مطرح پاسخ گوید که آیا قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات توان و استعداد آن را دارد که پاسخ‌گوی نیاز مبرم و ضروری جامعه باشد؟ با بررسی، تحلیل و مقایسه دو سند مذکور فرضیه ادعائی ثابت می‌شود که قانون انتشار و دسترسی آزاد قادر نیست نیاز جامعه امروزی را برآورده سازد، زیرا: شمار استثنائات وارد بر ارائه اطلاعات و مآلاً محدودیت دسترسی به آن در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که مبتنی بر قانون مجازات انتظار و افشای اسناد محرمان و سرّی دولت است به نحو چشم‌گیری زیاد است. این استثنائات، در کنوانسیون آرهوس کم و محدود است. در نتیجه اطلاعات قابل دسترسی در حجم بیشتری ارائه می‌شود. نکته قابل توجه دیگر اینکه: در قانون انتشار و دسترسی آزاد فقط اتباع ایرانی اعم از حقیقی یا حقوقی حق دسترسی به اطلاعات را دارا می‌باشند، حال آنکه کنوانسیون آرهوس، بدون تبعیض در تابعیت، اطلاعات قابل دسترسی را ارائه و اتباع بیگانه اعم از حقیقی یا حقوقی

به اطلاعات کشورهای عضو دستیابی دارند. برای رفع نارسائی‌های عمده موجود در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات باید از حجم اطلاعات محرمانه کاسته شود، اطلاعات بدون تبعیض در تابعیت درخواست کننده ارائه گردد و دسترسی به اطلاعات با سازوکارهای ویژه تسهیل شود. به علاوه نیاز به وجود قانون زیست محیطی مستقل که مقررات آن به روز باشد، کاملاً محسوس است. *



کتابنامه

منابع فارسی

- امیرارجمند، اردشیر. (۷۳-۱۳۷۴). «حفاظت از محیط زیست و همبستگیین المللی»، **مجله تحقیقات حقوقی**
دانشگاه شهید بهشتی، تهران: (۱۵).
- انصاری، باقر. (۱۳۸۷). **آزادی اطلاعات**. تهران: نشر دادگستر.
- (۱۳۹۰). **حقوق ارتباط جمعی**. تهران: انتشارات سمت، تهران.
- (۱۳۹۱). **حقوق حریم خصوصی**. تهران: انتشارات سمت، تهران.
- (۱۳۹۲). **حقوق رسانه**. تهران: انتشارات سمت.
- پالمرتز، مارک. (۱۳۸۸). «آئین مند نمودن حقوق محیط زیست: بررسی کنوانسیون آرهوس»، ترجمه علی مشهدی،
مجله حقوقی داور، (۲). پاییز.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۲). **ترمیونولوژی حقوق**. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیبی، محمدحسن. (۱۳۸۶). **حقوق محیط زیست**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۹). «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»،
فصلنامه پژوهش حقوق، (۲۹).
- زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۱). «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، **مجله تحقیقاتی حقوقی**، (۴۰).
- زمانی، سیدقاسم و دیگران. (۱۳۸۶). **نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر**. تهران:
انتشارات شهر دانش.
- سلیمان‌دهکردی، الهام و علی افراسیابی. (۱۳۹۴). «حق دسترسی آزاد در حقوق بین‌المللی و ملی»، **فصلنامه**
مطالعات بین‌المللی پلیس، ۶ (۱).
- شریفی طرازکوهی، حسین. (۱۳۹۰). **زمینه‌ها و ابعاد حقوق شهروندی**. تهران: نشر میزان.
- شیلتون، دینا و الکساندر کیس. (۱۳۸۹). **کتابچه قضایی محیط زیست**. ترجمه محسن عبدالهی. تهران: انتشارات

خرسندی.

صلح‌چی، محمدعلی و مهرداد محمدی. (۱۳۹۴). «تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، ۱۶ (۴۶). صص ۸۱-۱۰۲.

کارسون، راشل. (۱۳۹۳). **بهار خاموش**. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده و دیگران. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

کریمی‌نیا، محمدمهدی. (۱۳۷۹). «حاکمیت دولت و آزادی عقیده و بیان»، **فصلنامه معرفت**، (۳۹).

کوروکولاسوریا، لال و نسکلاس رایبسون. (۱۳۹۰). **مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست**. ترجمه سیدمحمدمهدی حسینی. تهران: نشر میزان.

کیس. الکساندر و دیگران. (۱۳۸۴). **حقوق محیط زیست**. ترجمه محمدحسن حبیبی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گوندلینگ، لوتار و دیگران. (۱۳۸۱). **حقوق محیط زیست**. ترجمه محمدحسن حبیبی. جلد دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مرکز مطالعات حقوق بشر. (۱۳۸۲). **گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر**. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

معتدینژاد، کاظم. (۱۳۸۱). **حقوق مطبوعات**. جلد اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

موسوی، فضل‌اله. (۱۳۸۰). **حقوق بین‌الملل محیط زیست**. تهران: نشر میزان.

ویژه، محمدرضا. (۱۳۸۵). «حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست، بررسی حقوق بشر اروپایی»، **مجله محیط‌شناسی**، ۳۲ (۴۰). صص ۷۷-۸۶.

هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**. تهران: انتشارات میزان.

یزدانی‌زنور، هرمز. (۱۳۸۴). **بررسی نقش شفافیت در تحقق حکم‌رانی مطلوب**. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

منابع انگلیسی

African Commission on Human and Peoples Rights, 30th Ordinary Session, Banjul, Gambia. (2001). Decision on Communication 155/96, *the Social and Economic Rights Action Center and the Center for Economic and Social Rights*. v. Nigeria. October 13-27.

Irish Environment Network <http://ien.ie>

Aarhus Convention on Access. To information, public participation in Decision

Making and access to Justice Environmental Matters. Available at:

<http://www.Unece.org/env/pp.treatytext.htm>

Aarhus Convention: an implementation guide. Available at:

<http://www.unece.org/env/pp.ImplementationGuide.html>.

UN Doc. Sales No. E/F/R.98.II.E.27. The Convention text is available online

in different languages. Available at: <http://www.unece.org/env/pp/>

[treatytext.htm](http://www.unece.org/env/pp/treatytext.htm)

Morgera, E. (2009), *Corporate Accountability in International Environmental*

Law. New York: Oxford University Press.

Proposal for a Council Decision on the conclusion, on behalf of the European Community, of the Convention on access to information, public participation in decision making and access to justice regarding environmental matters. (2003). October 24.